



Imam Sadiq Research Institute

for Islamic Sciences

Research Institute for Political  
and Defence Studies

P. ISSN: 2345-5705 &amp; E. ISSN: 2717-3720

Website: <http://ipr.isfi.ac.ir>

Autumn 2025 &amp; Winter 2026

## The Role of Insightful Factors in Political Progress Based on the Epistemological System of the Holy Quran

Mohammad Ali Mirali\*, Ahmad Akhlaqi\*\*

Doi: 10.22034/ipr.2025.524977.2269

Receipt: 2025/07/21 - Revised: 2025/08/13- Accepted: 2025/11/10  
(245-275)



### Abstract

The Holy Quran, as a treasure trove of inviolable propositions, was able to transform the most backward society into the most advanced human civilization by reforming its insight foundations. Therefore, addressing the insight factors of "political progress" from the perspective of the Holy Quran is an undeniable necessity on the path to building Islamic civilization. The main issue of this research is: What are the pivotal insight factors of political progress from the perspective of the Holy Quran? The aim of this research is to identify and analyze these factors within the framework of the growth-oriented system of the Holy Quran. This research is organized with a fundamental-developmental method and using a descriptive-analytical method, a deductive approach, and library tools, and is based on the verses of the Holy Quran and reliable interpretations. For historical and contemporary explanation, the life of the Holy Prophet (PBUH) in Mecca and the statements of Imam Khamenei were used, which resulted in the identification of four central factors of the vision of "political progress". The findings of the research show that the Holy Quran considers the reform of the beliefs of the society as a prerequisite for achieving the desired political system. Accordingly; theoretical belief in monotheistic sovereignty, reasoning along with faith, and gaining insight in the light of divine knowledge are the most central factors of the vision of "political progress" in the Quranic perspective; therefore, the Holy Quran does not consider "political progress" to be merely the product of material means; rather, it establishes it on the basis of the growth of reason, faith, and acceptance of monotheistic sovereignty on earth.

**Keywords:** Holy Quran, epistemological system, visionary factors, political progress.

\*. Professor of Political Science, Department of Law and Political Science, Higher Education Complex for Humanities, Mustafa Al-Alamiyah University, Qom, Iran.  
mohammadali\_miralibidakhoveydi@miu.ac.ir

\*\* . PhD student in Quran and Political Science, Department of Quran and Humanities, Faculty of Quran and Sciences, Higher Educational Complex of Quran and Hadith, Jamia al-Mustafa (PBUH) Al-Alamiyah, Qom, Iran.  
(Corresponding author).  
fasihi7276@gmail.com .





## مقدمه

انسان بر پایه سرشت فطری خویش، همواره در پی کمال و زیست سعادت‌مندان است و این میل فطری، او را به سامان بخشی زندگی فردی و جمعی سوق می‌دهد. در ادبیات معاصر علوم سیاسی، مفهوم «توسعه سیاسی» به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، محور نظریه پردازی‌های متعددی درباره تحول ساختارهای سیاسی بوده است (شربتیان، ۱۳۸۸: ۱)؛ اما این تلاش‌ها به سبب زمینه‌سازی فرهنگی، مبانی سکولار و نگرش تک‌ساحتی به انسان، در پاسخ‌گویی به نیازهای جوامع، ناکام مانده‌اند.

در مقابل، قرآن کریم به عنوان متنی وحیانی و هدایت‌گر، دارای منظومه‌ای از مبانی، اهداف و راهکارهای سیاسی است که الگویی دینی از «پیشرفت سیاسی» ارائه می‌دهد. تجربه تاریخی حکومت نبوی در پرتو آموزه‌های قرآنی، مؤید ظرفیت‌های این الگوست. در همین راستا، رهیافت مفهومی «پیشرفت» به جای «توسعه» که توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی مطرح شد (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۹/۱۰)، کوششی در جهت اسلامی‌سازی مفاهیم و عبور از چارچوب‌های غرب‌محور است؛ زیرا «پیشرفت» برخلاف «توسعه»، بر مبانی توحیدی و غایت‌مدار استوار است (میراحمدی، نظری، ۱۴۰۱: ۹۲).

مقاله حاضر با شیوه‌بنیادی-توسعه‌ای و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد قیاسی و ابزار کتابخانه‌ای، در پی پاسخ به این پرسش است که: عوامل محوری بینشی پیش‌برنده فرآیند «پیشرفت سیاسی» از منظر قرآن کریم چیست؟ فرضیه آن است که تحقق حاکمیت توحیدی، عقلانیت سیاسی، ایمان و بصیرت، نقشی کلیدی در این مسیر دارند. گرچه در سال‌های اخیر آثاری درباره «پیشرفت سیاسی» در اسلام نوشته شده‌اند؛ اما پژوهشی مستقل که به صورت خاص به عوامل بینشی از منظر قرآن پردازد، یافت نشد. نوآوری این پژوهش در تحلیل این مؤلفه‌ها در بستر وحیانی برای ارتقای سیاست‌ورزی قرآن‌بنیان در جوامع اسلامی است.

## ۱. ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

ادبیات نظری پژوهش ضمن تبیین مفاهیم اساسی تحقیق، به تحلیل پیشینه، روش پژوهش و

مباحث نظری آن می‌پردازد؛ تا زمینه فهم دقیق موضوع را فراهم سازد.

## ۲. مفهوم‌شناسی

درک دقیق مفاهیم کلیدی، در فهم صحیح محتوای پژوهش نقش اساسی دارد. در این بخش، به بررسی معناشناختی دو مفهوم محوری «عوامل بینشی» و «پیشرفت سیاسی» پرداخته می‌شود.

### ۲-۱. عوامل بینشی

«بینش» در ادبیات دینی، نور درونی برای شناخت صحیح حقایق است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۵۲). مقصود از «عوامل بینشی» مجموعه‌ای از باورها و نگرش‌های هستند که بر رفتارهای فردی و جمعی، به‌ویژه در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، تأثیر می‌گذارند (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۰۵؛ سروش، ۱۳۷۸: ۵۳).

### ۲-۲. پیشرفت سیاسی

پیش از تبیین مفهوم «پیشرفت سیاسی» باید توضیحی در مورد واژه «پیشرفت» و آنگاه واژه «سیاسی» ارائه شود.

#### الف) پیشرفت

مفهوم «پیشرفت» به‌عنوان کلیدی‌ترین واژه در این پژوهش، نیاز به بررسی جامع از دو جنبه لغوی و اصطلاحی دارد.

واژه «پیشرفت» دارای معانی همچون جلو رفتن، ترقی، رشد، سبقت گرفتن و پیش بردن کار (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴: ۵۹۷۹)، گسترش دادن، افزایش دامنه یا وسعت چیزی (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۵: ۳۹۲)، رشد ذهنی یا فیزیکی (انوری، ۱۳۸۱، ج ۴: ۳۶۳۲) و حتی نجات و کمال (قرشی، ۱۳۸۶، ج ۳ و ۴: ۱۰۰) می‌باشد. در عربی، واژه‌هایی مانند «توسعه» (توان و ترقی) (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵: ۳۹۲) در انگلیسی، واژه «Development» (آریانپور، ۱۳۸۳: ۴۲۲) هم‌راستای پیشرفت است. بنابر آنچه بیان شد: «پیشرفت» در لغت، به معنای حرکت روبه‌جلو، گسترش و رشد کمی و کیفی است که مفهوم پویایی و تکامل را در خود دارد.

در حوزه مفهومی، «پیشرفت» معادل «توسعه» در گفتمان غربی تلقی می‌شود و با توجه به تفاوت در مبانی معرفتی و روش شناسی، تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است. تعریف رایج، توسعه را فرایندی هدفمند می‌داند که طی آن جوامع از وضعیت ایستا به سوی آرمان‌شهر پویا حرکت می‌کنند (رستم‌نژاد، ۱۳۹۳: ۴۴). در دیدگاه‌های مختلف، این مفهوم گاه به مثابه دگرگونی از سنت به مدرنیته (علوی مهر، ۱۳۹۳: ۱۳۱)، گاه به معنای ارتقای مستمر کیفیت زندگی و تحول ساختارهای اجتماعی و اداری (تودورا، ۱۳۷۸: ۲۴ و ۴۰) و نیز بهبود در رفاه، عدالت و فناوری تعریف شده است (گلابی، ۱۳۶۸: ۲).

در نگاه قرآنی، پیشرفت باید متوازن، جهت‌دار و همه‌جانبه باشد و زمینه‌ساز رشد استعدادهای انسانی در دو بعد مادی و معنوی برای نیل به قرب الهی گردد (فاکر میبیدی، ۱۳۹۳: ۱۱). از منظر امام خامنه‌ای نیز، پیشرفت به معنای بهتر شدن، پر کردن خلأها و حرکت در مسیر تعالی در عرصه‌های گوناگون فکری، علمی، مادی، معنوی و اجتماعی است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۹/۲۷؛ ۱۳۸۴/۳/۵).

در نتیجه، «پیشرفت» از نگاه قرآن کریم، فرایندی پویا، متوازن و هدفمند است که با ایجاد تعادل میان جنبه‌های مادی و معنوی، زمینه‌ساز شکوفایی استعدادها، تحقق عدالت فراگیر و رسیدن به کمال نهایی می‌شود.

#### ب) سیاسی

واژه «سیاسی» برگرفته از «سیاست» و در اصل مأخوذ از واژه یونانی پولیس (به معنای دولت شهر) است (عالم، ۱۳۷۳: ۲۳). در منابع فارسی، سیاست به معنای «اداره کردن»، «تدبیر»، «ریاست»، «عدالت» و «حراست» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲۹: ۷۴۱). بر این اساس، سیاست را می‌توان فرآیند رهبری و تدبیر امور جمعی در چارچوب یک جامعه دانست.

در حوزه نظری، هرچند اجماع کاملی درباره تعریف سیاست وجود ندارد، اما سه رویکرد عمده قابل تمایز است:

- سیاست به مثابه دانش (دوورژه، ۱۳۹۱: ۲۳)؛

- سیاست به عنوان هدف اخلاقی یا ارزشی (وینسنت، ۱۳۸۳: ۸۵)؛
  - سیاست به مثابه کنش اجتماعی و سیاسی (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۹: ۲۰۲).
- از منظر اسلامی، سیاست به معنای مدیریت و تنظیم حیات اجتماعی در مسیر «حیات معقول» است (جعفری، ۱۳۶۹: ۴۱۹)؛ بنابراین، سیاست علاوه بر مطالعه روابط قدرت، در تحقق فضیلت‌های انسانی از راه تأمین نظم، امنیت، رفاه و جلوگیری از هرج و مرج نیز نقش دارد.
- در نهایت، واژه «سیاسی» به هر پدیده‌ای اطلاق می‌شود که با مفاهیمی چون حکومت، توزیع قدرت، سیاست‌گذاری عمومی، نظم، امنیت و روابط قدرت در سطوح ملی و فراملی در ارتباط باشد.

### ج) پیشرفت سیاسی

مفهوم «پیشرفت» کاربردهای متنوعی در حوزه‌های مختلف دارد؛ اما تمرکز این نوشتار بر عرصه سیاسی است. برای تبیین دقیق آن، نخست باید مفهوم «توسعه سیاسی» به عنوان پایه نظری بررسی شود.

در علوم سیاسی، «توسعه سیاسی» مفهومی چندبعدی و پیچیده است؛ به همین خاطر دارای تعریف‌های متعدد است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. «توسعه سیاسی» از نگاه گابریل آلموند؛ فرآیند تفکیک ساختارها، تخصصی شدن نهادها و دنیوی‌سازی فرهنگ سیاسی است (داد، ۱۳۶۹: ۱۹). در نگرش سی.اچ.دی؛ تحول هدفمند ایدئولوژیک، تغییر ساختارهای قدرت، بهبود عملکرد نهادی و ارتقاء ظرفیت سیاست‌گذاری از مؤلفه‌های «توسعه سیاسی» به شمار می‌رود (همان: ۲۲). در نگاه دیگر «توسعه» به معنای رشد آگاهانه و مؤثر ظرفیت‌ها، نهادسازی منسجم و موفق برای مدیریت مشارکت‌های جدید (نظری، ۱۳۸۰: ۱) و افزایش پاسخ‌گویی و گسترش مشارکت سیاسی است (الحلو، ۱۳۷۹: ۱۶).

حاصل آنکه: «توسعه سیاسی» فرآیندی است پیوسته و هدفمند برای افزایش ظرفیت نظام سیاسی در جهت نهادسازی کارآمد، تفکیک وظایف، مشارکت عمومی، پاسخ‌گویی به مطالبات و مدیریت تغییرات اجتماعی و اقتصادی در راستای ثبات و انسجام سیاسی.

از آنجا که «توسعه سیاسی» در اندیشه غربی عمدتاً بر مبانی مادی و عرفی استوار و نسبت به ابعاد معنوی و الهی بی توجه است، متفکران اسلامی، مفهوم «پیشرفت سیاسی» را جایگزین آن کرده‌اند.

این اصطلاح را نخستین بار آیت الله خامنه‌ای مطرح کرد. به اعتقاد ایشان، «پیشرفت» مفهومی جامع‌تر از «توسعه» است؛ زیرا علاوه بر جنبه‌های مادی، به ابعاد فرهنگی، اخلاقی و معنوی نیز می‌پردازد. از نظر ایشان، «پیشرفت سیاسی» رشد درک سیاسی، مسئولیت‌پذیری، انسجام اجتماعی و اراده ملی است (آیت الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳).

در چارچوب اندیشه اسلامی، «پیشرفت سیاسی» فرایندی آگاهانه، هدفمند و ارزش‌محور است که در رفتار فردی، نهادی و اجتماعی ظهور یافته و با بهره‌گیری از ابزارهای مشروع، به تحقق اهداف نظام اسلامی منجر می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۱۸۱-۱۸۲). از منظر قرآن کریم، «پیشرفت سیاسی» مفهومی معنوی و الهی است که با عبور از ظلمات به نور (ابراهیم: ۱)، عبودیت خداوند، مقابله با طاغوت (نحل: ۳۶)، گسترش عبادت (حج: ۴۱) و تقویت ایمان (تغابین: ۸؛ نساء: ۱۳۶) تعریف می‌شود و ناظر به حرکت نظام سیاسی به سوی کمال در دایره شریعت اسلامی است (فاکر میدی، ۱۳۹۳: ۱۸-۱۹).

بنابر آنچه بیان شد: «پیشرفت سیاسی»، مفهومی چندبُعدی، پویا و ارزش‌محور است و با تکیه بر آموزه‌های دینی، جامعه را در مسیر تحقق سعادت حقیقی و کمال مادی و معنوی هدایت می‌کند. این پیشرفت نه صرفاً ناظر به کارآمدی ساختاری، بلکه به دنبال رشد همه‌جانبه انسان است.

### ۳. روش پژوهش

این پژوهش بنیادی - توسعه‌ای بوده و با رویکرد توصیفی - تحلیلی و قیاسی انجام شده است. با توجه به تأکید قرآن کریم بر استقرار توحید و حاکمیت الهی و ایجاد بصیرت، به منظور بنیان‌گذاری تمدن اسلامی در دوران مکه و با عنایت به اندیشه امام خامنه‌ای که عقل و ایمان را از عوامل اصلی «پیشرفت سیاسی» می‌داند، چهار عامل بینشی مؤثر بر «پیشرفت سیاسی»

شناسایی شد: ۱) باور به حاکمیت توحیدی؛ ۲) عقلانیت سیاسی؛ ۳) ایمان؛ ۴) بصیرت سیاسی و دشمن‌شناسی. سپس مستندات قرآنی مرتبط جمع‌آوری و تحلیل گردید.

#### ۴. مباحث نظری

##### ۴-۱. کلمات هم‌معنا با «پیشرفت» در قرآن کریم

گرچه واژه «پیشرفت سیاسی» به صراحت در قرآن کریم نیامده است؛ اما مفاهیم هم‌پوشانی مانند هدایت، رشد، صلاح، فلاح و حیات طیبه، بیانگر فرایندی هدفمند و مبتنی بر عبودیت و رهبری الهی اند که ابعاد مختلف تعالی سیاسی جامعه را نشان می‌دهند.

جدول (۱): واژگان قرآنی مرتبط با «پیشرفت»

منبع	دلالت مفهومی	واژه قرآنی
مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۷: ۱۱۳.	اصلاح در رفتارها و نهادهای اجتماعی و سیاسی، ایجاد نظم، امنیت و سلامت در روابط اجتماعی.	صلاح (احزاب: ۷۱؛ حجرات: ۹؛ انعام: ۴۸ و...)
خطیب، ۱۴۲۴ ق، ج ۲: ۶۸۰.	رستگاری سیاسی و اجتماعی، پیروزی در تحقق اهداف الهی در بُعد اجتماعی - سیاسی با صبر و مصابره و مرابطه.	فلاح (آل عمران: ۲۰۰)
فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۱: ۳۲۷.	خروج از گمراهی به سوی نور؛ جهت‌دهی الهی به حیات سیاسی - اجتماعی.	هدایت (مائده: ۱۶)
همان: ج ۷: ۱۶	بلوغ عقلانی، تشخیص حق از باطل، مشروعیت و جهت‌گیری صحیح نظام سیاسی.	رشد (بقره: ۲۵۶؛ هود: ۹۷)
رستم‌نژاد، ۱۳۹۳: ۴۶.	زندگی معنوی - سیاسی مطلوب بر اساس ایمان، عمل صالح و آرامش درونی - بیرونی.	حیات طیبه (نحل: ۹۷)
شاهبازپور، محمودی، حاجی‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۱۷.	مسیر بندگی الهی، راه حرکت تکاملی انسان و جامعه، تقابل با انحراف و طغیان.	صراط مستقیم (یس و زخرف: ۶۱)

(منبع: یافته‌های پژوهش)

- از میان واژگان قرآنی یاد شده، واژه «ارشد» نزدیک‌تر به «پیشرفت سیاسی» است؛ زیرا
- دارای جامع‌ترین معناست (شاهبازپور، محمودی، حاجی‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۱۱)؛
  - مفهومی سه‌بعدی دارد: افزایش کمی، ارزش کیفی و جهت‌گیری معنوی (فاکر میدی، ۱۳۹۳: ۱۲)؛
  - به معنای تشخیص حق از باطل، بلوغ فکری و راه‌یافتگی است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۸، ۱۲۰۸۴).

در نتیجه، «پیشرفت سیاسی» از نگاه قرآنی، صرفاً تحول ساختاری نیست؛ بلکه فرایندی الهی برای شکوفایی استعدادهای انسانی و اجتماعی در جهت تأمین سعادت دنیا و آخرت و تحقق قرب الهی است. «ارشد» جامع‌ترین و دقیق‌ترین واژه قرآنی برای بیان پیشرفت سیاسی است، چون دلالت بر حرکت تدریجی، هدفمند، عقلانی و الهی دارد و با مفاهیمی چون هدایت، فلاح و صلاح مرتبط است.

#### ۲-۴. تفاوت مفهومی «پیشرفت سیاسی» با «توسعه سیاسی»

«پیشرفت سیاسی» در اندیشه اسلامی، فرایندی هدفمند، پویا و ارزشی با تأکید بر قرب الهی، عدالت و انسجام ملی است و از نظر مبانی با «توسعه سیاسی» غربی که رویکردی ابزارمحور و سکولار دارد، تفاوت اساسی دارد.

جدول (۲): مقایسه‌ای «پیشرفت سیاسی» اسلامی و «توسعه سیاسی» غربی

مبنای مقایسه	«توسعه سیاسی»	«پیشرفت سیاسی»	منبع
جهان‌بینی	مادی‌گرایانه، سکولار	توحیدی، جامع (مادی و معنوی)	رستم‌نژاد، ۱۳۹۳: ۴۴.
هدف‌نهایی	دستیابی به رفاه مادی و گسترش قدرت سیاسی	دستیابی به کمال حقیقی و قرب الهی	فلاح‌پیشه و نوروزی، ۱۳۹۶: ۶۵.
رویکرد ارزشی	تا حد زیادی فاقد ارزش‌گذاری قطعی؛ توصیفی و تجربی	هنجاری، ارزش‌محور، جهت‌دار و هدفمند	میراحمدی، ۱۳۹۰: ۲۶.
نسبت با	گاه عدالت در مقابل	عدالت، عدالت شرط تحقق	همان: ۴.

	پیشرفت است	رشد و پیشرفت اقتصادی قرار می‌گیرد	عدالت
معینی‌پور، ۱۴۰۰: ۱۶۹	نگاه الهی به انسان	تکیه بر الگوهای غربی، فناوری محور	تکیه‌گاه مفهومی
همان: ۱۶۹	رشد هم‌زمان عرضی و طولی (شامل سطوح مادی و معنوی)	رشد عرضی فردی و اجتماعی در چارچوب نظم مدرن	نوع رشد
آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹: ۱۳۷۰: ۱۳۹۱	انسجام ملی، رفاه عمومی، قدرت تحلیل سیاسی، مسئولیت‌پذیری، عزم ملی	تمرکز بر فرایندهای دموکراتیک و رقابت قدرت	عناصر کلیدی در «پیشرفت سیاسی»
مطهری، ۱۳۸۰: ۴۳	رشد متوازن و هماهنگ در تمام ارزش‌ها و حوزه‌های اجتماعی	پیشرفت نابرابر و گاه تک‌بعدی	ویژگی‌های مطلوب جامعه پیشرفته
برزگر و لکزایی، ۱۳۹۵: ۹۰	ابزار تحقق کمال انسانی	هدف نهایی	نگرش به رفاه دنیوی
	جامع‌نگر (مادی و معنوی)	تک‌ساحتی (تمرکز بر بعد مادی و دنیوی)	ابعاد انسانی مورد توجه

(منبع: یافته‌های پژوهش)

در نهایت، «پیشرفت سیاسی» در اندیشه اسلامی، فرایندی جهت دار، متوازن و معنوی است که با تمرکز بر قرب الهی، همه ابعاد انسان را دربر می‌گیرد. برخلاف «توسعه سیاسی» غربی که بر رفاه مادی و قدرت تأکید دارد، رویکرد اسلامی عدالت محور، مسئولانه و ارزش مدار بوده و رفاه را ابزاری برای رشد انسان می‌داند.

##### ۵. بررسی مطالعات پیشین و جایگاه مقاله پیش‌رو

«پیشرفت سیاسی»، مفهومی نوین است که در گفتمان اسلامی توسط امام خامنه‌ای مطرح شده است. در چند دهه پسین آثار متعددی در این زمینه نگاشته شده‌اند که با وجود اهمیت، دارای خلأهایی هستند که نگارش این نوشته را ضروری می‌نماید.

جدول (۳): آثار ارزشمند در مورد «پیشرفت»

عنوان اثر	نویسنده	سال نشر	نواقص مقاله
عوامل پیشرفت از منظر قرآن کریم	رستم‌نژاد	۱۳۹۳	تمرکز بر پیشرفت عام؛ اشاره سطحی به سه عامل سیاسی.
مبانی انسان‌شناسی «پیشرفت سیاسی» از دیدگاه اسلام	فلاحت پیشه و نوروزی	1396	تمرکز بر انسان به‌عنوان عامل اصلی؛ فاقد تفکیک عوامل سیاسی.
نظریه اسلامی «پیشرفت سیاسی» با تکیه بر محوریت عدالت سیاسی	معینی پور	1395	پرداختن به یک عامل سیاسی (عدالت)؛ فاقد جامعیت.
نقش رهبری در «پیشرفت سیاسی» عدالت‌محور	معینی پور	۱۴۰۰	تمرکز صرف بر نقش رهبری؛ فاقد بررسی سایر عوامل، غیر قرآنی.
مبانی و مؤلفه‌های سیاسی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی	نوروزی	1396	کلی‌نگر؛ فاقد تمرکز خاص بر عوامل سیاسی در قرآن.
فرانید تحقق نظریه «پیشرفت سیاسی» در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای	میراحمدی و نظری	۱۴۰۱	اشاره کلی به مؤلفه‌ها؛ بیان دو عامل سیاسی؛ بدون استناد قرآنی.
عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی	معمارزاده و پاک‌طینت	۱۳۸۵	نگاه غیردینی و غیربومی؛ بیشتر نظریه‌محور.

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با وجود پوشش زوایای متنوع «پیشرفت سیاسی» در پژوهش‌های پیشین، موضوع «عوامل بینشی پیشرفت سیاسی از منظر قرآن کریم» تاکنون به صورت مستقیم بررسی نشده است. مقاله حاضر با سه ویژگی اصلی از آثار پیشین متمایز می‌شود: رویکرد قرآنی و درون‌زا، تمرکز بر «عوامل بینشی پیشرفت سیاسی» و تحلیل آیه‌محور به جای تکیه بر نظریه‌های بیرونی.

## ۶. یافته‌های پژوهش

در این بخش، عوامل بینشی مؤثر بر «پیشرفت سیاسی» از منظر قرآن کریم بررسی می‌شود. با وجود تنوع در تقسیم‌بندی‌های علمی، این پژوهش با رویکردی قرآنی به تحلیل عوامل شناختی «پیشرفت سیاسی» پرداخته و بر چهار محور کلیدی تمرکز دارد: باور نظری به حاکمیت توحیدی، عقلانیت سیاسی، ایمان، بصیرت و دشمن‌شناسی. هر یک از این عوامل نقش بنیادینی در تعالی نظام سیاسی و جهت‌دهی آن به سوی رشد ایفا می‌کند.

### ۱-۶. حاکمیت توحیدی

باور نظری به حاکمیت الهی و جانشینی پیامبران، اساسی‌ترین عامل در «پیشرفت سیاسی» است. در اندیشه اسلامی، توحید محوری به عنوان عامل اصلی بینشی، انسان را به مسئولیت‌پذیری و کنش فعال سیاسی سوق می‌دهد («إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (یوسف: ۴۰). مهم‌ترین تأثیر این نگرش بر «پیشرفت سیاسی» به شرح زیر است.

#### مشروعیت الهی و ثبات سیاسی

در اندیشه قرآنی، مشروعیت سیاسی، از مبانی توحیدی و صفات ربوبی خداوند سرچشمه می‌گیرد. این مشروعیت بر پایه خالقیت، مالکیت و ربوبیت الهی استوار است. آیات متعدد، حاکمیت مطلق خداوند را بر هستی تأیید می‌کنند: «...وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (مائده: ۱۷) این مالکیت برخاسته از خالقیت خداوند است «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (اعراف: ۵۴) و حق حاکمیت و تدبیر، از آن ناشی می‌شود «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق: ۱) بنابراین: فقط خداوند حق حاکمیت دارد («إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (یوسف: ۴۰). بر مبنای این آیه، قاعده بنیادین فرازمانی و فرامکانی آن است که حاکم فقط خداوند است و هیچ بشری حق حکومت ندارد (رشید رضا، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲: ۳۰۹) انحصار حاکمیت در خداوند، افزون بر دلایل نقلی، از پشتوانه عقلی نیز برخوردار است؛ چراکه خداوند با علم و قدرت مطلق، بهترین داور و حاکم است (انعام: ۵۷) پس فرمانروا حقیقی در نظام هستی خداوند است (مؤمنون: ۱۱۶)؛ و نیز طه: (۱۱۴).

نظام مبتنی بر حاکمیت الهی، باثبات و فرازمانی است و با زدودن عناصر شخصی و حزبی، موجب انسجام ساختار سیاسی، ثبات و رشد تدریجی مجموعه حاکمیت می‌گردد. این نوع نظم سیاسی، مرزهای حق و باطل را در عرصه سیاست روشن می‌سازد و با پدید آوردن آرامش سیاسی، زمینه را برای تعالی سیاسی هموار می‌کند.

### ۶-۱-۲. عدالت محوری و سلامت حکمرانی

عدالت محوری و سلامت نظام حکمرانی، بر بنیان انتصاب الهی حاکمان استوار است. قرآن کریم، پیامبران الهی را مأمور به حکومت بر اساس حق و عدل می‌داند: «فَاَحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ...» (ص: ۲۶) «لَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَاَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵؛ یونس: ۴۷)؛ زیرا سلامت زندگی فردی و اجتماعی در گرو حکومت عادلانه است (فضل الله، ۱۴۳۹ ق، ج ۱۸: ۱۹۲). همچنین از پیامبر اسلام می‌خواهد که تنها بر پایه وحی الهی حکم کند: «فَاَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا اَنْزَلَ اللَّهُ...» (مائد: ۴۸ و ۴۲). آیه ولایت نیز تصریح می‌کند که حاکمیت الهی به کسانی واگذار می‌شود که فرمانبردار امر الهی اند و در جامعه بر پایه عدالت عمل می‌کنند: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائد: ۵۵). سپردن اداره امور جامعه به پیامبران و اولیای الهی، به سبب پیوند آن‌ها با منبع وحی و برخورداری‌شان از علم و حکمت است؛ از این رو، آنان بر مؤمنان از خودشان سزاوارترند (احزاب: ۶).

بنابراین: پیروی از حاکمان منصوب از سوی خداوند، تضمین‌گر حکمرانی عادلانه و سلامت نظام سیاسی است. در چنین نظامی، پیروی از هواهای نفسانی کنار گذاشته می‌شود و تدبیر جامعه با عقل، علم و عدالت همراه می‌گردد که این خود بستر «پیشرفت سیاسی» را فراهم می‌سازد.

### ۶-۱-۳. نفی طاغوت و مقاومت در برابر ظلم

پذیرش حاکمیت الهی مستلزم نفی هرگونه حاکمیت طاغوتی است (تیجانی، ۱۳۸۹: ۱۱۰-۱۰۹)؛ این امر جوامع را از سلطه‌پذیری، ذلت و وابستگی نجات داده، به استقلال، عزت و «پیشرفت سیاسی» هدایت می‌کند. هدف بعثت انبیاء نیز همین است: «أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ وَ

اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ» (نحل: ۳۶)؛ مردم در برابر این دعوت، یا هدایت یافته‌اند یا در گمراهی مانده‌اند؛ هدایت در عرصه سیاسی، رشد و پیشرفت است و ضلالت در این عرصه موجب سقوط و اضمحلال می‌شود. از دیدگاه قرآن، «رشد سیاسی» یعنی کفر به طاغوت و ایمان به خدا و «غی سیاسی» یعنی ایمان به طاغوت: «... قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى» (بقره: ۲۵۶). پذیرش حاکمیت الهی جامعه را از تاریکی به سوی نور می‌برد، برخلاف حاکمیت طاغوتی (بقره: ۲۵۷)؛ بنابراین باید طاغوت را انکار کرد (نساء: ۶۰) و با پیروان آن مبارزه نمود (نساء: ۷۶). آثار سیاسی حاکمیت طاغوت، همچون گسترش فساد، ذلت‌سازی و نابودی نسل و آبادانی، مانع پیشرفت و سبب عقب‌گرد سیاسی است (نمل: ۳۴)؛ اعراف: ۱۵۲). نمونه بارز آن، حکومت فرعون است که با تفرقه افکنی و ظلم به مردم، جامعه را به تباهی کشاند (قصص: ۴). حوادث کشوری چون فلسطین، سوریه، افغانستان و... نیز گواه دیگری بر آسیب‌های چنین حاکمیتی‌اند. این آیات پایه‌گذار توحید سیاسی‌اند که به باور سید قطب، ستون پایداری جامعه انسانی می‌باشد (سید قطب، ۱۴۲۵ ق: ج ۳: ۱۳۰۸).

در روایات نیز صلاح یا فساد سیاسی به نوع حاکمیت وابسته است. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: هرگاه عالمان و حاکمان، به صلاح گریند، جامعه نیز در مسیر اصلاح قرار می‌گیرد؛ اما اگر این دو گروه دچار فساد شوند، جامعه نیز گرفتار تباهی و انحطاط خواهد شد (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۵۰) و امام کاظم علیه السلام تأکید دارد که صلاح مردم در گرو صلاح حاکم است (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۳۳۸).

اطاعت از خدا و تحقق حاکمیت الهی به واسطه پیامبران و اولیاء او، موجب تعالی سیاسی جامعه می‌شود (مریم: ۳۶ و ۴۳)؛ زیرا خداوند به خانه سلامت و امن دعوت می‌کند (یونس: ۲۵). عمل به آموزه‌های وحیانی، حیات طیبه را پدید می‌آورد (نحل: ۹۷) که در عرصه سیاست به معنای «پیشرفت سیاسی» است.

درنهایت، حاکمیت الهی با استقرار نظامی بر پایه عدالت، حقیقت و کرامت انسانی، مبنای مشروعیت سیاسی را فراهم می‌سازد و جامعه را از انحراف، ظلم و فساد طاغوتی دور

کرده، به سوی عدالت و پیشرفت هدایت می‌کند. التزام نظری به این نوع حاکمیت، به معنای پایبندی به آموزه‌های وحیانی است که نتیجه آن، دستیابی به «حیات طیبه» و شکوفایی سیاسی خواهد بود.

## ۶-۲. عقلانیت سیاسی

عقل از بنیادی‌ترین ابزارهای تحلیل، داوری و تصمیم‌سازی در عرصه سیاست است. عقل قوه‌ای برای شناخت و تمییز خیر از شر و تولید حکمت در حوزه‌های نظری و عملی است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۷۰) و عقل سیاسی (Political Reason)، توانایی به کارگیری خرد در شناخت واقعیت‌های سیاسی، تشخیص مصلحت عمومی و اتخاذ تصمیماتی است که در راستای حفظ مشروعیت، عدالت و قدرت جمعی جامعه باشد (جابری، ۱۳۸۴: ۲۷).

عقلانیت سیاسی، سیاست را از سطح واکنش‌های احساسی به سطح تحلیل و برنامه‌ریزی ارتقاء می‌دهد. جوامعی که از این ظرفیت بهره‌برده‌اند، مسیر نهادسازی، شفافیت، عدالت و کارآمدی را هموار کرده و درنهایت به توسعه نهادها، کاهش فساد و افزایش اعتماد عمومی می‌انجامد.

قرآن کریم، عقل را رکن بنیادین در هدایت فرد و جامعه می‌داند و با تأکید مکرر بر تعقل و تفکر، آن را ابزار سنجش، تحلیل و تصمیم‌سازی در عرصه‌های مختلف حیات بشری، به‌ویژه در حوزه سیاسی معرفی می‌نماید. در این دیدگاه، عقلانیت نه تنها ابزاری معرفت‌شناختی؛ بلکه نیرویی تمدن‌ساز است که جوامع را قادر می‌سازد از تجربه تاریخی بهره‌گیرند و از تکرار خطاهای اقوام پیشین پرهیزند. این معنا در آیه «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ... أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (یوسف: ۱۰۹) برجسته شده است که در آن، تعقل به منزله پیوند میان تجربه تاریخی و آینده‌سازی معنا دار مورد تأکید قرار می‌گیرد. همچنین، آموزه قرآنی «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ» (حشر: ۲) عقلانیت را شرط لازم برای عبرت‌گیری و بصیرت اجتماعی دانسته و این فرآیند را مقدمه‌ای برای اصلاح سیاسی می‌داند. در همین راستا، قرآن کریم با طبقه‌بندی انواع تفکر، لایه‌های گوناگون عقلانیت سیاسی را تبیین می‌کند؛ از جمله «تفکر وقت‌شناس» (مؤمنون: ۳)، «تفکر اولویت‌شناس»

کَهِف: ۱۰۳-۱۰۴)، «تفکر آینده‌نگر» (حشر: ۲) و «تفکر نقاد» (بقره: ۳۰-۳۸) که هر یک نشان‌گر ضرورت حضور هوشیارانه و عقل‌مدار در فرآیندهای تصمیم‌گیری اجتماعی و حکمرانی هستند (رستم‌نژاد، ۱۳۹۳: ۴۹).

این اهتمام قرآنی به تعقل، از یک سو ناشی از آن است که نبود عقلانیت ریشه اصلی تشتت درونی، ضعف ساختاری و عقب‌ماندگی جوامع است «تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (حشر: ۱۴) و از سوی دیگر، فقدان خرد، عامل انسداد مسیر پیشرفت و فرسایش ظرفیت‌های انسانی می‌باشد. از این منظر، عقلانیت سیاسی در آموزه‌های قرآنی نه تنها یک فضیلت نظری، بلکه یک الزام تمدنی است (رستم‌نژاد، ۱۳۹۳: ۴۹).

پیامبر اکرم ﷺ با مشاهده حاکمیت جهل و جمود بر جزیره العرب، نهضتی فکری آغاز کرد و با رفع موانع ذهنی و تشویق به تفکر، بستر رشد عقلانی را فراهم ساخت (اعراف: ۱۵۷؛ رستم‌نژاد، ۱۳۹۳: ۴۸). این اصلاح فکری، زمینه‌ساز گذار از خرافه‌گرایی به عقل‌گرایی بود که مقدمه ضروری برای تحقق سیاستی توسعه‌محور و عدالت‌گرا به شمار می‌رود. چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام تصریح می‌فرماید: «بِالْعَقْلِ تُنَالُ الْخَيْرَاتُ» (آمدی، ۱۳۶۶: ح ۴۰۹) و نیز «لَا يَسْتَعَانُ عَلَى الدَّهْرِ إِلَّا بِالْعَقْلِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵: ۷)؛ بنابراین، عقل‌ورزی شرط بنیادین برای برون‌رفت از رکود اجتماعی و دستیابی به شکوفایی سیاسی است.

مقام معظم رهبری با استناد به حدیث «الْعَقْلُ يَهْدِي وَ يَنْجِي» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۶۷)، عقل را نیرویی می‌داند که توانایی مدیریت همه سطوح زندگی و ارتقای انسان را داراست (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷/۳/۲۰). در تأیید این نگاه، از منظر جامعه‌شناسی جدید نیز عقلانیت رکن پیشرفت تلقی می‌شود؛ چنان‌که آگوست کنت آن را بدیل احساس‌گرایی و ماکس وبر، عامل اصلی تحول فرهنگی و ساختاری می‌داند (میک‌لانگ، ۱۳۹۰: ۱۱)؛ بنابراین، عقلانیت راهبردی در سطح نخبگان و حاکمان، شرط لازم برای تحقق «پیشرفت سیاسی» است (رستم‌نژاد، ۱۳۹۳: ۵۰).

قرآن کریم با دعوت مکرر به تدبیر، تعقل و عبرت‌آموزی، راه پیشرفت را در بازاندیشی

مستمر و تصمیم‌گیری آگاهانه می‌داند. در همین راستا، پیامبر اکرم ﷺ نیز در مواجهه با جامعه جاهلی، اصلاح فکری و ترویج خردورزی را محور تحول قرار داد. بدین سان، در منظومه قرآنی و نبوی، عقلانیت نه تنها ابزار فهم؛ بلکه موتور محرک پیشرفت و نظم سیاسی در چارچوب ارزش‌های الهی تلقی می‌گردد.

### ۳-۶. ایمان

در پی بررسی جایگاه عقل در تحول سیاسی، توجه به نقش مکمل ایمان ضرورت می‌یابد؛ زیرا عقل به تنهایی، به ویژه اگر از هدایت دینی تهی باشد، دچار افراط، تفریط یا انحراف می‌گردد. بر این اساس، عقل رحمانی و ایمان محور است که ثبات، آرامش و استقامت می‌آفریند (برزگر و لکزایی، ۱۳۹۵: ۹۲). از این رو، ایمان در کنار عقل، نقش برجسته‌ای در «پیشرفت سیاسی» ایفا می‌کند.

ایمان، به ویژه زمانی که با عمل صالح همراه گردد، ظرفیت بالایی برای تحقق «پیشرفت سیاسی» دارد. قرآن کریم در موارد متعدد، پیوند ایمان و عمل صالح را شرط دریافت پاداش عظیم معرفی می‌کند (مانده: ۹؛ کهف: ۳۰). این «اجر عظیم» مفهومی فراگیر دارد که می‌توان آن را در سطح سیاسی، به مثابه تحقق «پیشرفت سیاسی» جامعه مؤمنان تفسیر کرد (طبرسی، ۱۴۰۸ ج ۹: ۶). بدین خاطر به چند نمونه از تأثیر ایمان در «پیشرفت سیاسی» اشاره می‌شود.

### ۳-۶-۱. هدایت به صراط مستقیم

یکی از مفاهیم بنیادی در «پیشرفت سیاسی»، «صراط مستقیم» است؛ راهی که انسان و جامعه را به مقصد مطلوب هدایت می‌کند. ایمان داری به صورت غیرمستقیم، زمینه‌ساز «پیشرفت سیاسی» است. خداوند در باره مؤمنان می‌فرماید: «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا» (نساء: ۱۷۵؛ ون.ک: حج: ۵۴). ایمان، بستر هدایت به راه مستقیم را فراهم می‌سازد و این هدایت با استقامت مؤمنان تقویت می‌شود (کهف: ۱۳). رحمت و فضل الهی، شامل «پیشرفت سیاسی» نیز می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱: ۲۸۴). قرآن کریم مؤمنان را به حق هدایت کرده و بیماری‌های قلبی آنان را درمان می‌کند (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۷: ۶۰۷). در مقابل، کفر منشأ نفاق، تفرقه و

نزاع در جامعه است (همان، ج ۱: ۳۲۳)؛ بنابراین؛ بر اساس دلالت‌های قرآنی، ایمان، جامعه را در صراط مستقیم هدایت می‌کند و این موجب هدایت اجتماعی، امنیت سیاسی و انسجام می‌شود که از پیش‌نیازهای تحقق «پیشرفت سیاسی» در جامعه ایمانی‌اند.

### ۶-۳-۲. خروج از ظلمت به سوی نور

در سیاست، ظلمت نماد انحطاط و نور نماد «پیشرفت سیاسی» است. از منظر قرآن کریم، «ایمان و عمل صالح» موجب قرار گرفتن جامعه تحت ولایت خداوند و خروج آن از تاریکی به سوی نور می‌شود، در حالی که «کفر» زمینه‌ساز ولایت طاغوت و انحطاط است: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاءُ لَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» (بقره: ۲۵۷). رسالت پیامبر ﷺ نیز تلاش برای «پیشرفت سیاسی» (نور) جامعه و نجات آن از عقب‌ماندگی (ظلمت) است (طلاق: ۱۱)؛ بنابراین؛ ایمان جامعه را از استبداد و فساد نجات داده و به سوی «پیشرفت سیاسی» سوق می‌دهد.

### امنیت، آسایش و آرامش

یکی از شاخصه‌های جامعه پیشرفته، برخورداری از امنیت، آرامش و آسایش است. قرآن کریم ایمان و عمل صالح را ضامن چنین وضعیتی می‌داند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَّآبٍ» (رعد: ۲۹)؛ زیرا اهل ایمان تحت ولایت الهی و متکی بر ستون استوارند (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۱: ۳۵۶) و با انجام اعمال صالح، به زندگی ایمن و سالم دست می‌یابند. همچنین ایمان همراه با عمل صالح، اقامه نماز و پرداخت زکات، موجب آرامش و امنیت اقتصادی است (همان، ج ۲: ۴۲۲). قرآن کریم در جای دیگر نیز ایمان را منشأ آرامش می‌داند (رعد: ۲۸)؛ بنابراین؛ ایمان و عمل صالح بسترهای امنیت، آرامش و آسایش را فراهم می‌آورند که از عوامل اصلی پیشرفت سیاسی‌اند. دولت‌ها نیز با تأمین این بسترها می‌توانند «توسعه سیاسی» را محقق سازند.

### رزق کریم

«رزق کریم» شامل انواع روزی‌ها می‌شود، در عرصه سیاست، «پیشرفت سیاسی» یکی از مصادیق آن است. قرآن کریم می‌فرماید: ایمان همراه با افعال سیاسی همچون هجرت،

جهاد، پناه دادن به مهاجرین و یاری آنان، موجب بهره‌مندی از «رزق کریم» می‌شود («وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوَا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ») (أنفال: ۷۴). این آیه بهره‌مندی مؤمنان از نعمت‌هایی چون عزت، امنیت و پیروزی را نشان می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۵۶). همچنین پاداش ایمان و عمل صالح در آیات دیگر با عنوان «رزق کریم» (حج: ۵۰؛ سبأ: ۴) و «اجر کبیر» (فاطر: ۷) یاد شده است. این روزی که در پرتو ایمان و عمل صالح به دست می‌آید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۱۳۵)، در بُعد سیاسی، به معنای رشد و پیشرفت جامعه ایمانی است؛ بنابراین، ایمان و اعمال سیاسی مؤمنانه زمینه‌ساز دستیابی به «رزق کریم» یعنی پیشرفت سیاسی‌اند.

### فوز

«فوز» به معنای رستگاری، پیروزی همراه با سلامت و نهایت کمال است (ابن منظور: ۱۴۱۴ ق، ج ۵: ۳۹۲). این واژه در حوزه سیاست نیز مفهومی خاص یافته و معنای «پیشرفت سیاسی» را می‌رساند؛ زیرا عبور موفق از وضعیت نامطلوب به مطلوب را دربر دارد. از منظر قرآن کریم، ایمانی که انسان را به رفتارهای سیاسی چون هجرت و جهاد جانی و مالی سوق دهد، موجب تحقق رستگاری یا «فوز» می‌شود؛ چنانکه می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (توبه: ۲۰) همچنین ایمان و عمل صالح به «فوز مبین» (جاثیه: ۳۰) و «فوز کبیر» (بروج: ۱۱) می‌انجامد؛ بنابراین؛ ایمان سیاسی همراه با کنش‌های سیاسی نیکو، زمینه‌ساز رستگاری و کمال سیاسی است و مسیر حرکت جامعه به سوی پیشرفت سیاسی را فراهم می‌سازد.

### ۶-۳-۶. فلاح

«فلاح» به معنای کامیابی، سعادت، پیروزی و ماندگاری در نیکی است (ابن منظور: ۱۴۱۴: ۲، ۵۴۷) و از مفاهیمی است که بر «پیشرفت سیاسی» دلالت دارد. از منظر قرآن کریم، رستگاری ماندگار در دنیا و آخرت نتیجه قطعی ایمان به خداوند و جهاد در راه حق و عدل است: «لِئِنْ رُسُلٌ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ وَ أُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (توبه: ۸۸) این آیه، ایمان (عقیده) همراه با جهاد مالی و جانی (عمل) را عامل

دست‌یابی به «تمام خیرات» و «فلاح» می‌داند (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۹، ۳۶۱). در حوزه سیاست، این خیرات و رستگاری به معنای تحقق حق، عدل و تقرب الهی است؛ بنابراین، «فلاح» نتیجه ایمان و کنش سیاسی در راستای تحقق جامعه‌ای متعالی و ایمانی است.

### بهره‌مندی از نعمت‌های دنیوی

از آثار مهم «ایمان همراه با تقوا»، بهره‌مندی جامعه از برکات الهی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در پیشرفت سیاسی نقش دارد. قرآن می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ...» (الأعراف: ۹۶). این برکات شامل امنیت، سلامت (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۴: ۳۲۲) آسایش، ثروت و نسل شایسته است و با ایمان عمومی تحقق می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۸: ۲۰۱). نمونه آن، قوم یونس است که با کمک ایمان، از خفت نجات یافته و از نعمت‌های الهی بهره‌مند شدند (یونس: ۹۸)، اهل ایمان تا پایان زندگی، از منافع و لذت‌های مشروع دنیوی نیز بهره‌مند می‌شوند (صافات: ۱۴۸؛ اعراف: ۳۲). بر این اساس، ایمان و تقوا زمینه‌ساز گشایش‌های مادی و معنوی، انسجام اجتماعی و ثبات است. این عوامل زیرساخت‌های حیاتی برای «پیشرفت سیاسی» به شمار می‌روند؛ زیرا جامعه‌ای که در سایه ایمان و تقوا از برکات گسترده برخوردار است، از ثبات داخلی و کارآمدی بالاتری برخوردار می‌شود و در مسیر رشد و شکوفایی سیاسی حرکت خواهد کرد.

### نجات

«نجات» مفهومی معادل با «پیشرفت سیاسی» دارد؛ زیرا هر دو بیان‌گر گذار از وضعیت نابسامان به وضعیتی سامان‌یافته‌اند. قرآن می‌فرماید: «ثُمَّ تُنَجَّى رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ» (یونس: ۱۰۳؛ نمل: ۵۳). سنت الهی بر نجات پیامبران و مؤمنان از عذاب‌ها و فشارهای سیاسی و اجتماعی استوار است و این قاعده پس از پیامبر اکرم ﷺ نیز در امت اسلامی جاری است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۰: ۱۲۸). نمونه‌های تاریخی همچون نجات حضرت هود، صالح، شعیب و پیروانشان (هود: ۵۸؛ ۶۶؛ ۹۴) تأییدی بر این سنت است. بر این اساس، ایمان و پایداری در حق، جامعه را از بحران نجات داده و به سوی ثبات و تعالی هدایت می‌کند که مصداقی از «پیشرفت سیاسی» است.

### ۶-۳-۹. تحقق «حیات طیبه»

«حیات طیبه» از مفاهیم مرتبط با پیشرفت است (رستم نژاد، ۱۳۹۳: ۴۶) و به تصریح قرآن کریم، ثمره ایمان و عمل صالح است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷). این حیات که با آرامش، امنیت، رفاه، صلح و تعاون همراه است، پاداش دنیوی مؤمنان می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۳۹۵۷). در پرتو ایمان و عمل صالح، جامعه از آسیب‌های اجتماعی و سیاسی در امان می‌ماند و زمینه‌های «پیشرفت سیاسی» فراهم می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۳۹۰). زیرا خداوند با ولایت خود (آل عمران: ۶۸؛ محمد: ۱۱)، از جامعه‌ای ایمانی دفاع کرده (حج: ۳۸) و یاور آن می‌شود «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (غافر: ۵۱). بر این اساس، «حیات طیبه» مفهومی فراتر از زندگی فردی بوده و معنای جامعه‌ای امن، پایدار و پیشرفته از نظر سیاسی را می‌رساند. در جامعه‌ای که ایمان و عمل صالح حاکم باشد، امنیت، رفاه و صلح برقرار می‌شود که اساس «پیشرفت سیاسی» را تشکیل می‌دهد و به ایجاد فضایی امن و پایدار منتهی می‌شود.

نقش بنیادین «عقل» و «ایمان» در «پیشرفت سیاسی» را با بیانی از مقام معظم رهبری، به‌عنوان نظریه پرداز سیاست قرآنی، به پایان می‌رسانیم.

بر اساس تبیین امام خامنه‌ای دو عنصر کلیدی «عقل» و «ایمان» نقش بنیادینی در تحول و «پیشرفت سیاسی» دارند. پیامبران با تکیه بر این دو عنصر، نخست تحولی فکری و ادراکی در جامعه پدید آوردند که زمینه‌ساز اصلاح و سامان‌یابی رفتار انسانی و نظام‌های سیاسی شد. از نگاه قرآن کریم، عقل جایگاهی والا دارد و مخاطبان را بارها به اندیشیدن و تعقل فراخوانده است، (یس: ۶۸؛ اعراف: ۱۷۶)؛ بنابراین، عقلانیت و ایمان دو پایه اصلی «پیشرفت سیاسی» است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۳/۱۱/۹).

حاصل سخن: «پیشرفت سیاسی» در قرآن کریم، بر پایه دو رکن اساسی «عقل» و «ایمان» استوار است. تجربه پیامبر اسلام ﷺ و یارانش نشان می‌دهد که پذیرش حاکمیت الهی، وحدت درونی و برخورد عاقلانه و مؤمنانه با چالش‌ها، زمینه‌ساز رشد همه‌جانبه امت

اسلامی شد؛ رشدی که قرآن کریم آن را به زراعتی نیرومند و شگفت‌انگیز تشبیه کرده است (فتح: ۲۹)؛ بنابراین، هر جامعه‌ی که عقلانیت و ایمان را به درستی پرورش دهد، از انحراف سیاسی و استبداد مصون مانده و در مسیر اصلاح، عدالت و تعالی پایدار گام خواهد برداشت.

#### ۶-۴. بصیرت سیاسی و دشمن‌شناسی؛ زمینه‌ساز پایداری و پیشرفت نظام اسلامی

بصیرت، به عنوان توانایی شناختی و روحی، جایگاهی کلیدی در «پیشرفت سیاسی» جامعه دارد. این ویژگی که در منابع لغوی به معنای بینایی، تیزبینی، هوشیاری و یقین آمده است (معین، ۱۳۷۴: ۵۴۶)، در مواجهه با بحران‌ها و فتنه‌ها، ابزار تشخیص حق از باطل و عامل اصلی حرکت آگاهانه و روبه‌رشد در مسیر سیاسی است.

مقام معظم رهبری، بصیرت را به نورافکن، قبله‌نما و قطب‌نما تشبیه کرده و آن را به «تیزبینی و شناخت راه درست» تعریف نموده‌اند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۸/۴). ایشان بصیرت را در دو سطح اصولی (جهان‌بینی توحیدی و شناخت مفاهیم اساسی دینی) و عملی (تدبیر در حوادث، عبرت‌گیری، سنجش دقیق امور و تصمیم‌گیری آگاهانه، شناخت زمان، اولویت‌ها، دشمن و ابزار مناسب مقابله) تبیین می‌کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۹/۶). در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام نیز بصیرت فرایندی است متشکل از شنیدن، اندیشیدن، دیدن و عبرت‌گیری که منجر به انتخاب مسیر صحیح می‌شود: «فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ وَ انْتَفَعَ بِالْعِبَرِ ثُمَّ سَلَكَ جَدًّا وَ اضْحَأ...» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ ق: ۲۱۴).

قرآن کریم با بیان اینکه تقوا سرمنشأ، دست‌یابی به صفت «فرقان» است (انفال: ۲۹)، «قرآن» را «فرقان» (ابزاری تشخیص حق از باطل) نامیده است («وَ إِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ الْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (بقره: ۵۳، ۱۸۵؛ آل عمران: ۴)؛ بنابراین؛ از آنجا که کارکرد بصیرت، قدرت جداسازی حق از باطل است، وسیله دست‌یافتن به این ویژگی، قرآن کریم و معارف اسلامی می‌باشد. بدین جهت بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله در دوران رسالت خود، از طریق تلاوت آیات قرآنی و تربیت فکری، سطح بصیرت جامعه را ارتقا بخشید تا مردم دشمن‌شناس، زمان‌شناس و دارای بینش سیاسی شوند. این تربیت، زمینه‌ساز مقاومتی آگاهانه و حرکتی هدفمندانه در برابر

فشارهای سیاسی و اجتماعی گردید. آن حضرت دعوت خود را بر پایه بصیرت بنا نهاد «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف: ۱۰۸). این آیه دلالت دارد که حرکت‌های اصلاحی و سیاسی مؤثر، بدون بصیرت و آگاهی عمیق، ممکن نیست.

بصیرت عامل اصلی در حفظ جامعه از سقوط در فتنه‌ها، وسوسه‌ها و گمراهی‌ها است و قدرت تشخیص و تصمیم‌گیری در شرایط پیچیده را فراهم می‌کند و اصلاح امور و حل مشکلات کلان را تسهیل می‌سازد (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۱۰/۱۹).

یکی از آثار مهم بصیرت در حوزه سیاسی، دشمن‌شناسی است. جامعه‌ای که از بصیرت سیاسی برخوردار باشد، با شناخت دقیق دشمنان و تحلیل اهداف و روش‌های آنان، می‌تواند از نفوذ، تخریب و انحراف در امان بماند و مسیر رشد و استحکام سیاسی خود را حفظ کند. مقام معظم رهبری دشمن را کسانی می‌دانند که با حاکمیت یک نظام مستقل، مردمی و دینی مخالف‌اند؛ همچون طمع‌ورزان، غارت‌گران، سودجویان، زراندوزان، زورگویان، وابستگان به قدرت‌های بیگانه و مفسدان که از حاکمیت فرهنگ دینی متضرر می‌شوند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۱۰/۱۹). ایشان با استناد به آیه شریفه «...يُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مِيلًا عَظِيمًا» (نساء: ۲۷) توضیح می‌دهد که پیروان شهوت، قدرت و ثروت، می‌کوشند مردم را به انحراف بکشانند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۳/۱/۱).

قرآن کریم در آیات گوناگون به معرفی دشمنان آشکار و پنهان جامعه ایمانی پرداخته و مؤمنان را به شناخت و مراقبت در برابر آنان فراخوانده است. منافقان بیماردل (بقره: ۱۰)؛ که با ظاهر ایمانی، در جهت تخریب جامعه گام برمی‌دارند (عنکبوت: ۱۰-۱۱)؛ کافران (نساء: ۱۰۱)؛ یهودیان و مشرکان (مائده: ۸۲). قرآن کریم مؤمنان را از اعتماد و همدلی با بیگانگان بازمی‌دارد و نسبت به خطرات پنهان و آشکار آنان هشدار می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةِ مَن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» (آل عمران: ۱۱۸) و در پایان آیه، با فراخوانی به تعقل، نشان می‌دهد که دشمن‌شناسی یک وظیفه عقلانی و بصیرتی است.

حاصل آنکه: بصیرت سیاسی به عنوان یک شاخص حیاتی در حیات اجتماعی و سیاسی

جوامع دینی، نقش بنیادینی در «پیشرفت سیاسی» ایفا می‌کند. انسان بصیر با شناخت دشمنان داخلی و خارجی، فهم صحیح از تحولات زمان و تحلیل درست از تهدیدات و فرصت‌ها، نه تنها خود را از انحراف و فریب حفظ می‌کند؛ بلکه جامعه را نیز در مسیر تعالی، امنیت و «پیشرفت سیاسی» رهنمون می‌شود. بدون بصیرت، جوامع به آسانی فریب دشمن را خورده و در بحران‌های سیاسی دچار عقب‌گرد می‌شوند. ازاین‌رو، قرآن کریم و معارف اسلامی پیوسته بر ضرورت بصیرت، دشمن‌شناسی و تعقل سیاسی تأکید کرده‌اند.

جدول (۴): نقش عوامل بینشی در «پیشرفت سیاسی» در نظام معرفتی قرآن کریم

عامل بینشی	زیرشاخه‌ها	تأثیر بر پیشرفت سیاسی
حاکمیت الهی	مشروعیت سیاسی، ثبات سیاسی، عدالت‌محوری، سلامت حکمرانی، مقاومت، نفی طاغوت.	تأمین پایه‌های مشروعیت، استقرار نظام عادلانه، ارتقاء اعتماد عمومی، جلوگیری از فساد و سلطه‌پذیری.
عقل سیاسی	درک شرایط سیاسی، تحلیل مسائل، انتخاب راهبرد مناسب، تصمیم‌گیری آگاهانه.	افزایش کارآمدی تصمیم‌گیری‌ها، تدبیر امور پیچیده، مقابله با تهدیدات، ارتقاء نظم و توسعه‌یافتگی.
ایمان	صراط مستقیم، نجات، کمال، رزق کریم، فوز، خروج از ظلمت به نور، امنیت، آسایش، نعمت مادی، حیات طیبه.	تقویت روحیه جمعی، ایجاد آرامش اجتماعی، گسترش عدالت، هدایت اخلاقی، ارتقاء سطح زندگی مادی و معنوی.
بصیرت	شناخت دشمن، تشخیص جبهه حق و باطل، عدم فریب‌خوردگی، حضور آگاهانه در صحنه‌های سیاسی.	جلوگیری از انحراف سیاسی، تقویت مشارکت هوشمندانه، افزایش مقاومت در برابر جریان‌های باطل و فتنه‌انگیز.

(منبع: یافته‌های پژوهش)

### نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این پژوهش، «پیشرفت سیاسی» از منظر قرآن کریم، فرایندی پویا، هدفمند و مبتنی بر ارزش‌های الهی است که با فطرت انسان سازگار بوده و فراتر از توسعه مادی و تحول ساختاری، به تعالی معنوی، عدالت‌محوری و کرامت انسانی توجه دارد. قرآن

کریم با تأکید بر انسان‌شناسی دوساحتی، سیاست را زمینه‌ای برای رشد فضائل، تأمین مصالح عمومی و دستیابی به «حیات طیبه» معرفی می‌کند.

از مهم‌ترین عوامل بینشی «پیشرفت سیاسی»، باور به حاکمیت توحیدی، عقلانیت سیاسی، ایمان و بصیرت است. حاکمیت الهی به عنوان نقطه آغاز مشروعیت سیاسی، سلامت حکمرانی و رهایی از سلطه طاغوت به ارمغان آورده و با تکیه بر حقیقت و اخلاق، چارچوبی پایدار برای ساماندهی قدرت ترسیم می‌کند. در این نظام، عقل سیاسی ابزار شناخت مصالح، درک موقعیت‌ها و پیش‌بینی پیامدهاست و از افراط، جزم‌اندیشی و خودکامگی جلوگیری می‌نماید.

ایمان نیز به عنوان نیرویی درونی و تعهدآور، رفتار سیاسی انسان را جهت می‌دهد و مانع سیاست‌ورزی منفعت‌محور می‌شود. در کنار آن، بصیرت سیاسی نقش بنیادی در بیداری جامعه دارد؛ چراکه جامعه‌ای فاقد درک تهدیدات، تحلیل تحولات و شناخت دشمن، دچار انحراف و استبداد خواهد شد. به همین دلیل، قرآن کریم بر تفکر، تعقل و بصیرت سیاسی تأکید داشته و فقدان آن‌ها را از عوامل سقوط جوامع معرفی می‌کند.

درنهایت، تجربه تاریخی پیامبر اسلام و امت نخستین، گواه آن است که با اتکا بر ایمان، عقلانیت و تبعیت از حاکمیت توحیدی، می‌توان جامعه‌ای مقتدر و متحد ساخت؛ بنابراین، جامعه‌ای که این مؤلفه‌ها را در میان نخبگان و عموم مردم تقویت کند، در مسیر اصلاح سیاسی، عدالت‌ساختاری و تعالی پایدار قرار گرفته و از آفات استبداد، فروپاشی و انحراف مصون خواهد ماند.

### تشکر و سپاسگذاری

بدین وسیله، از همه پژوهشگرانی که یافته‌هایشان در این تحقیق به کار رفته، صمیمانه سپاسگزارم.

### تعارض منافع

این تحقیق برای نویسنده هیچ نوع تضاد منافی ایجاد نکرده است.

### منابع مالی

این پژوهش هیچ کمکی از نهادهای مالی عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت ننموده است.

## کتابنامه

- قرآن کریم.  
 نهج البلاغه.  
 ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). الأمالی (للسدوق). تهران، کتابچی.  
 ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق). تحف العقول، (علی اکبر غفاری، مصحح). قم، جامعه مدرسین.  
 ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. بیروت، دارالفکر.  
 انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران، سخن.  
 آریانپورکاشانی، منوچهر (۱۳۸۳). فرهنگ بزرگ پیشرو. تهران، جهان‌رایانه.  
 آقابخشی، علی اکبر، افشاری‌راد، مینو (۱۳۸۹). فرهنگ علوم سیاسی. تهران، چاپار.  
 آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). غررالحکم. (مصطفی درایتی، مصحح). قم، دفتر تبلیغات اسلامی.  
 برزگر، ابراهیم، لک‌زایی، صدیقه (۱۳۹۵). پیشرفت متعالی در جمهوری اسلامی بر مبنای حکمت و سیاست متعالیه. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۶ (۲۱)، ۸۷-۱۰۶.  
 پایگاه حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری (مدظله)، <https://farsi.khamenei.ir>.  
 تودورا، مایکل (۱۳۷۸). توسعه اقتصادی در جهان سوم. (غلامعلی فرجادی، مترجم). بی‌جا، بازتابه.  
 تیجانی، عبدالقادر حامد (۱۳۸۹). مبانی اندیشه سیاسی در آیات مکی. (مهران اسماعیلی، سید مشتاق الحلو، مترجم). قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.  
 جابری، محمدعابد (۱۳۸۴). عقل سیاسی در اسلام. (مترجم: عبدالرضا سواری). تهران، گام نو.  
 جعفری، محمدتقی (۱۳۶۹). حکمت اصول سیاسی اسلام. تهران، بنیاد نهج البلاغه.  
 الحلو، سید مشتاق (۱۳۷۹). توسعه سیاسی. بی‌جا، بی‌نا.  
 خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ ق). التفسیر القرآنی للقرآن. قاهره - مصر، دار الفکر العربی.  
 داد، سی، ایچ (۱۳۶۹). رشد سیاسی. (عزت‌الله فولادوندی، مترجم). تهران، نشر نو.  
 دوورژه، موریس (۱۳۹۱). بایسته‌های جامعه‌شناسی سیاسی (سید ابوالفضل قاضی شریعت‌پناه، مترجمان). تهران، میزان.  
 دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران، دانشگاه تهران.  
 رستم‌نژاد، مهدی (۱۳۹۳). عوامل پیشرفت از منظر قرآن کریم، قرآن و علم، ۸ (۱۵)، ۴۳-۶۶.  
 رضا، محمد رشید (۱۴۱۴ ق). تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار). بیروت، دار المعرفة.

- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸). صراط‌های مستقیم. تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.
- شاهبازپور، حسین، محمودی، مهدی، حاجی‌زاده، مرتضی (۱۳۹۸). الگوی پیشرفت سیاسی جامعه مبتنی بر نظام جامع آموزه‌های قرآن کریم. پژوهش‌های سیاست اسلامی. ۷ (۱۵). ۲۴۶-۲۰۷.
- شربتیان، محمدحسین (۱۳۸۸). تأملی بر ضرورت مبانی توسعه فرهنگی و اهمیت آن در جامعه ایران.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۵۲). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ ق). مجمع البیان. (فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، مصحح). بیروت، دار المعرفة.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳). بنیادهای علم سیاست. تهران، نشر نی.
- علوی مهر، حسین (۱۳۹۳). «انسان پیشرفته از منظر قرآن». قرآن و علم، ۸ (۱۵). ۱۶۰-۱۲۹.
- فاکر میبدی، محمد (۱۳۹۳). «اهداف پیشرفت از نگاه قرآن»، قرآن و علم، ۸ (۱۵). ۹-۴۲.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی.
- فضل الله، محمدحسین (۱۴۳۹ ق). تفسیر من وحی القرآن. بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر و التوزیع.
- فلاح پیشه، حشمت‌الله، نورزی، مجتبی (۱۳۹۶). «مبانی انسانی پیشرفت سیاسی از دیدگاه اسلام». پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۶ (۲۳). ۵۹-۸۳.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۸۶). قاموس قرآن. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- قطب، سید (۱۴۲۵ ق). فی ظلال القرآن. بیروت، دار الشروق.
- گلابی، سیاوش (۱۳۶۸). فرایند توسعه نظام آموزشی در جامعه ایران، تهران، میترا.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، قم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). پرسش‌ها و پاسخ‌ها. قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). انسان کامل. قم، صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). مجموعه آثار (انسان و ایمان). تهران، صدرا.

- معینی پور، مسعود (۱۴۰۰). نقش و جایگاه رهبر در پیشرفت سیاسی عدالت‌محور. مطالعات انقلاب اسلامی. ۱۸ (۶۶). ۱۶۷-۱۸۸.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴). التفسیر الکاشف. ایران، دارالکتاب الإسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- میراحمدی، منصور، نظری، محمدعلی (۱۴۰۱). فرایند تحقق نظریه پیشرفت سیاسی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای. پژوهشنامه انقلاب اسلامی. ۱۲ (۴۳). ۱۵۹-۱۸۲.
- میراحمدی، منصور، نظری، محمدعلی (۱۴۰۱). نظریه پیشرفت سیاسی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. پژوهش‌های انقلاب اسلامی. ۱۱ (۴۰). ۹۱-۱۱۹.
- میک لانگ، مارگارت (۱۳۹۰). خودخواهی و دگرخواهی. (حسین شقاقی، مترجم). دائرة المعارف فلسفی استنفورد، تهران، روزنامه جام‌جم.
- نظری، علی اشرف (۱۳۸۰). الگوهای نظری توسعه و نوسازی. نشریه انتخاب.
- وینسنت، اندرو (۱۳۸۳). نظریه‌های دولت. (حسین بشیریه، مترجم). تهران، نی.
- Āghābakhshī, ‘Alī Akbar, and Mīnū Afshārī-Rād (2010). *Farhang-i ‘Ulūm-i Siyāsī*. Tehran: Chāpār.
- Āghāī, Muḥammad Riḍā (2014). *Shākhiṣ-hā-yi Jāmi‘ah-yi Pīshraftah dar Qur‘ān. Du-Faṣlnāmah-yi Qur‘ān va ‘Ilm* 8, no. 15: 161–204.
- ‘Ālam, ‘Abd al-Raḥmān (1994). *Bunyād-hā-yi ‘Ilm-i Siyāsāt*. Tehran: Nashr-i Nay.
- ‘Alavī-Mihr, Ḥusayn (2014). *Insān-i Pīshraftah az Manẓar-i Qur‘ān. Du-Faṣlnāmah-yi Qur‘ān va ‘Ilm* 8, no. 15: 129–160.
- al-Ḥilū, Sayyid Mushtāq (2000). *Tawsi‘ah-yi Siyāsī*. N.p., n.d.
- al-Jābirī, Muḥammad ‘Ābid (2005). *‘Aql-i Siyāsī dar Islām*. Translated by ‘Abd al-Riḍā Savārī. Tehran: Gām-i Naw.
- Āmidī, ‘Abd al-Wāḥid b. Muḥammad (1987). *Ghurur al-Ḥikam*. Edited by Muṣṭafā Dirāyatī. Qum: Daftar-i Tabliḡhāt-i Islāmī.
- Anvarī, Ḥasan (2002). *Farhang-i Buzurg-i Sukhan*. Tehran: Sukhan.
- Āryānpūr Kāshānī, Manūchīhr (2004). *Farhang-i Buzurg-i Pīshrū*. 12th ed. Tehran: Jahān Rāyānah.
- Barzigar, Ibrāhīm, and Ṣiddīqah Lakzāī (2016). *Pīshraft-i Muta‘ālī dar Jumhūrī-yi Islāmī bar Mabnā-yi Ḥikmat va Siyāsāt-i Muta‘aliyyah. Pazhūhishnāmah-yi Inqilāb-i Islāmī\** 6, no. 21: 87–106.

- Dihkhudā, 'Alī Akbar. (1998). *Lughatnāmah*. Tehran: Dānishgāh-i Tihrān.
- Dodd, C. H (1990). *Rushd-i Siyāsī*. Translated by 'Izzat Allāh Fūlādvandī. 2nd ed. Tehran: Nashr-i Naw.
- Duverger, Maurice (2012). *Bāyistah-hā-yi Jāmi'ah-Shināsī-yi Siyāsī*. Translated by Sayyid Abū al-Faḍl Qāḍī Sharīat-Panāh. 4th ed. Tehran: Mīzān.
- Faḍlallāh, Muḥammad Ḥusayn (2018). *Tafsīr min Waḥy al-Qur'ān*. 3rd ed. Beirut: Dār al-Malāk li-l-Ṭibā'ah wa-l-Nashr wa-l-Tawzī.
- Fākīr Maybudī, Muḥammad (2013). *Ahdāf-i Pīshraft az Nigāh-i Qur'ān*. *Du-Faṣlnāmah-yi Qur'ān va 'Ilm* 8, no. 15: 9–42.
- Falāḥat-Pīshah, Ḥashmat Allāh, and Mujtabā Nūrūzī (2017). *Mabānī-yi Insānī-yi Pīshraft-i Siyāsī az Dīdgāh-i Islām*. *Pazhūhish-hā-yi Rāhburdī-yi Siyāsāt* 6, no. 23: 59–83.
- Gulābī, Siyāvush (1989). *Farāyand-i Tawsi'ah-yi Nizām-i Āmūzishī dar Jāmi'ah-yi Īrān*. Tehran: Mītrā.
- Heywood, Andrew (2010). *Siyāsāt*. Translated by 'Abd al-Raḥmān 'Ālam. Tehran: Nashr-i Nay.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad b. 'Alī (1997). *al-Amālī (li-l-Ṣadūq)*. 6th ed. Tehran: Kitābchī.
- Ibn Manzūr, Muḥammad b. Mukarram (1993). *Lisān al-'Arab*. 3rd ed. Beirut: Dār al-Fikr.
- Ibn Shu'bah al-Ḥarrānī, Ḥasan b. 'Alī (1983). *Tuḥaf al-'Uqūl*. 2nd ed. Edited by 'Alī Akbar Ghaffārī. Qum: Jāmi'at al-Mudarrisīn.
- Ja'farī, Muḥammad Taqī (1990). *Ḥikmat-i Uṣūl-i Siyāsī-yi Islām*. Tehran: Bunyād-i Nahj al-Balāghah.
- Khaṭīb, 'Abd al-Karīm (2003). *al-Tafsīr al-Qur'ānī li-l-Qur'ān*. 2nd ed. Cairo: Dār al-Fikr al-'Arabī.
- Laythī Wāsiṭī, 'Alī b. Muḥammad (1997). *'Uyūn al-Ḥikam wa-l-Mawā'iz (li-l-Laythī)*. Qum. Majlisī, Muḥammad Bāqir (1982). *Biḥār al-Anwār al-Jāmi'ah li-Durar Akhbār al-A'imma al-Aṭḥār*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir, et al (1995). *Tafsīr-i Namūnah*. 32nd ed. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- McLang, Margaret (2011). *Khudkhwāhī va Digar-Khwāhī*. Translated by Ḥusayn Shaqāqī. *Dā'irat al-Ma'ārif-i Falsafī-yi Istānfurd*. Tehran: Rūznāmah-yi Jām-i Jam.
- Mīr-Aḥmadī, Manṣūr, and Muḥammad 'Alī Naẓarī (2022). *Farāyand-i Taḥaqquq-i Naẓariyyah-*

- yi Pīshraft-i Siyāsī az Dīdgāh-i Āyat Allāh Khāmanaī. Pāzhūhishnāmāh-yi Inqilāb-i Islāmī 12, no. 43: 159–182.
- Mīr-Aḥmadī, Manṣūr, and Muḥammad ‘Alī Naẓarī (2022). Naẓariyyah-yi Pīshraft-i Siyāsī dar Andīshah-yi Āyat Allāh Khāmanaī. Pāzhūhish-hā-yi Inqilāb-i Islāmī 11, no. 1: 91–119.
- Miṣbāḥ Yazdī, Muḥammad Taqī (2005). Bih Sū-yi Ū (Mishkāt). Edited by Muḥammad Mahdī Nādīrī Qummī. Qum: Markaz-i Nashr-i Mu’assasah-yi Āmūzishī va Pīzhūhishī-yi Imām Khumaynī.
- Miṣbāḥ Yazdī, Muḥammad Taqī (2009). Pursish-hā va Pāsukh-hā. 4th ed. Qum: Mu’assasah-yi Āmūzishī va Pīzhūhishī-yi Imām Khumaynī.
- Mughnīyah, Muḥammad Jawād (2003). al-Tafsīr al-Kāshif. Iran: Dār al-Kitāb al-Islāmī.
- Muṭn, Muḥammad (1996). Farhang-i Fārsī-yi Muṭn. Tehran: Amīr Kabīr.
- Muṭnī-Pūr, Mas’ūd (2021). Naqsh va Jāyghāh-i Rahbar dar Pīshraft-i Siyāsī-yi ‘Adālat-Maḥvar. Nashriyyah-yi ‘Ilmī-yi Muṭāla’āt-i Inqilāb-i Islāmī 18, no. 66: 167–188.
- Muṣṭafavī, Ḥasan (1981). al-Taḥqīq fī Kalimāt al-Qur’ān al-Karīm. Tehran: Bungāh-i Tarjumah va Nashr-i Kitāb.
- Muṭahharī, Murtaḍā (2001). Insān-i Kāmil. Qum: Ṣadrā.
- Muṭahharī, Murtaḍā (2001). Jāmi’ah va Tārīkh az Dīdgāh-i Qur’ān. Tehran: Ṣadrā.
- Muṭahharī, Murtaḍā (2007). Majmū’ah-yi Āthār (Insān va Īmān). Tehran: Intishārāt-i Ṣadrā.
- Naṣr, Sayyid Ḥusayn (2007). Islām va Niyāzhā-yi Insān-i Mudirn. Translated by Inshā’ Allāh Raḥmatī. Tehran: Intishārāt-i Ḥikmat.
- Naẓarī, ‘Alī Ashraf (2001). Algūhā-yi Naẓarī-yi Tawsi’ah va Nawsāzī. Nashriyyah-yi Intikhāb. Pāyghāh-i Ḥifẓ va Nashr-i Āthār-i Maqām-i Mu’azzam-i Rahbarī. [<https://farsi.khamenei.ir>] (<https://farsi.khamenei.ir>)
- Qurashī, ‘Alī Akbar (2007). Qāmūs-i Qur’ān. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- Quṭb, Sayyid (2004). Fī Zīlāl al-Qur’ān. 35th ed. Beirut: Dār al-Shurūq.
- Riḍā, Muḥammad Rashīd (1993). Tafsīr al-Qur’ān al-Ḥakīm (Tafsīr al-Manār). Beirut: Dār al-Marīfah.
- Rustamnizhād, Mahdī (2014). ‘Awāmil-i Pīshraft az Manẓar-i Qur’ān-i Karīm. Du-Faṣlnāmāh-yi Qur’ān va ‘Ilm 8, no. 15: 43–66.
- Shāhbāzpur, Ḥusayn, Mahdī Maḥmūdī, and Murtaḍā Ḥājīzādah (2019). Algū-yi Pīshraft-i

- Siyāsī-yi Jāmi'ah Muḥtanī bar Niẓām-i Jāmi'-i Āmūzah-hā-yi Qur'ān-i Karīm. Paghūshish-hā-yi Siyāsāt-i Islāmī 7, no. 15: 207–246.
- Sharbatīyān, Muḥammad Ḥusayn (2009). Ta'ammulī bar Ḍarūrat-i Mabānī-yi Tawsi'ah-yi Farhangī va Ahammiyyat-i Ān dar Jāmi'ah-yi Īrān.
- Surūsh, 'Abd al-Karīm (1999). Şirāṭ-hā-yi Mustaqīm. Tehran: Mu'assasah-yi Farhangī-yi Şirāṭ.
- Ṭabāṭabāī, Muḥammad Ḥusayn (1973). al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān. 3rd ed. Beirut: Mu'assasat al-'Alamī li-l-Maṭbū'āt.
- Ṭabrisī, Faḍl b. Ḥasan (1988). Majma' al-Bayān. 2nd ed. Edited by Faḍl Allāh Yazdī Ṭabāṭabāī and Hāshim Rasūlī. Beirut: Dār al-Ma'rifah.
- Tījānī, 'Abd al-Qādir Ḥāmid (2010). Mabānī-yi Andīshah-yi Siyāsī dar Āyāt-i Makkī. Translated and annotated by Mihrān Ismā'īlī and Mushtāq al-Ḥilū. Qum: Paghūshishgāh-i 'Ulūm va Farhang-i Islāmī.
- Todaro, Michael (1999). Tawsi'ah-yi Iqtisādī dar Jahān-i Sīvvum. Translated by Ghulām'Alī Farjādī. N.p.: Nashr-i Bāztābah.
- Ṭurayḥī, Fakhr al-Dīn (1996). Majma' al-Baḥrayn. Edited by Sayyid Aḥmad Ḥusaynī. Tehran: Kitābfurūshī-yi Murtaḍavī.
- Vincent, Andrew (2004). Naẓariyyah-hā-yi Dawlat. Translated by Ḥusayn Bashīriyyah. Tehran: Nashr-i Nay.